

گفتگو با محمد قاسم زاده به بهانه تصحیح کتاب «فرج بعد از شدت»

# جوان‌ها و دگم بی‌اعتنایی به متون کهن



حورا نژادصادق

**قصه و داستان در ادبیات کهن ما چه جایگاهی داشته است؟**

در منطق‌السطوی ۳ نوع استدلال وجود داشته است: قیاسی، استقرایی و تمثیلی که دو نوع اول در حوزه علوم به کار می‌رفته و استدلال تمثیلی در ادبیات تعلیمی، کتب عرفانی، اخلاقی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. به این صورت که مثلا مولانا برای توضیح توکل یا خواجه نصیر در اخلاق ناصری برای اثبات حرف خود تمثیل به کار می‌برد و این قصه‌ها را دلیلی برای اثبات حرف خود به حساب می‌آوردند.

**آیا استدلال تمثیلی و به کار بردن قصه در تمام آثار ادبی ما با هدف مشخصی رواج داشته است؟**

کتاب‌های ادبی فارسی یا به قصد خلق ادبی نوشته شده‌اند که تعدادشان بسیار کم است. یا به قصدی دیگر جز خلق اثر ادبی، اما بعدها در این حوزه مورد بررسی قرار گرفته‌اند که در این گروه با حجم بسیار زیادی از قصه‌ها مواجه می‌شویم. مثلا بیهقی قصدش تنها تاریخ نویسی به شیوه روایی بوده است نه حتی استدلالی. اگر نویسنده به روایتش بسیار مسلط بود، خود به خود یک قصه ایجاد می‌شده است، مانند داستان افشین و بودلف یا حسنک وزیر که به دلیل تسلط زیاد بیهقی بر اصل روایت یک قصه به وجود آمده است.



**در حقیقت نسل جدید داستان‌نویس ما در یکی از دگم‌های مدرنیسم گیر کرده که اهمیت ندادن به متون گذشته است. در حالی که این ادعا از سر بی‌خبری است**

ما انسان‌ها گاهی دشواری‌ها را تحمل کنیم به امید آن که آسانی و گشایشی پس از آن احوال ما را خوش کند و سختی درد پیش آمده را از بین ببرد. این میلی است همیشگی که حتی ذهن قاضی ابوعلی محسن تنوخ را در قرن چهارم به خود مشغول کرده بود. او از طریق مشاهدات خود، روایت‌های اطرافیان و آثار عربی مجموعه‌ای بزرگ را در قالب داستان‌هایی کوتاه به زبان عربی جمع آوری کرد. کتاب «فرج بعد از شدت» یک‌بار توسط محمد عوفی ترجمه شد که متأسفانه چیزی از آن به دست ما نرسیده است. پس از آن حسین اسعد دهستانی، ادیب خراسانی کتاب را به فارسی درآورد و نسخه‌ها و چاپ‌های موجود از این برگردان است. این کتاب بتازگی از سوی نشر نیلوفر و با تصحیح محمد قاسم‌زاده روانه بازار شده است. قاسم‌زاده در تصحیح این متن کوشید که خواندن این کتاب و داستان‌هایش برای همه مردم راحت باشد تا نسل جوان با شیوه‌های قوی داستان‌پردازی در ادبیات کهن ایران آشنا شوند. نقطه‌گذاری، پاراگراف‌بندی و حذف نسخه بدل‌ها از جمله اولویت‌هایی است که او در کارش به آنها توجه کرده است. با محمد قاسم‌زاده در مورد قصه و داستان در ادبیات کهن ایران و «فرج بعد از شدت» گفتگویی کرده‌ام که می‌خوانید.

**پس ما تا پیش از دوران معاصر چیزی به نام داستان‌نویسی با هدف مشخص پروردن عناصر داستانی نداشته‌ایم؟**

کتاب‌هایی با هدف داستان‌گویی داشته‌ایم، اما تعدادشان بسیار کم است، مانند کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه و فرج بعد از شدت. چون شعر بر ساخت ادبی ما غلبه زیادی داشته، تعداد آثار منثور در قصه‌نویسی به قصد خلق ادبی بسیار کم است. یعنی آنقدر کم است که قابل مقایسه با آثار منظومی چون حجم عظیم شاهنامه یا آثار نظامی، عطار، مولوی، جامی و... نیست. بنابراین کسانی هم که قصد قصه‌گویی داشتند قالب مثنوی را انتخاب می‌کردند.

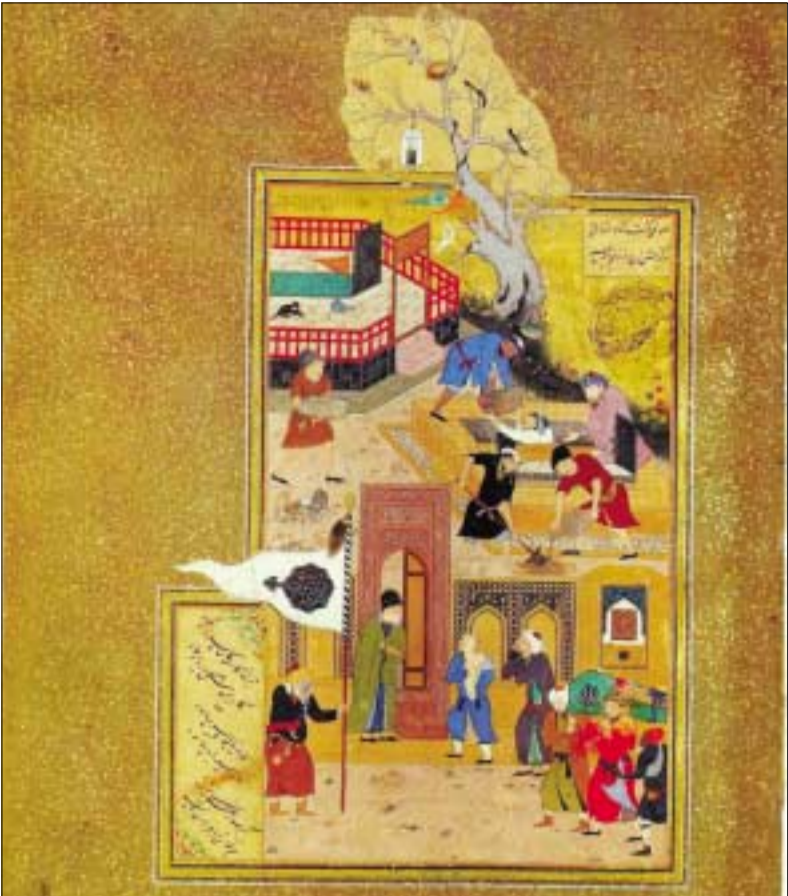
**فرق روایت‌پردازی در کتب دیگری که به قصد خلق ادبی نوشته می‌شدند با فرج بعد از شدت در چیست؟**

کتاب فرج بعد از شدت منحصربه‌فرد است؛ زیرا ۱۳ فصل دارد که در آنها ۱۳ نوع داستان متفاوت با یک تکنیک روایت می‌شود. این تکنیک ختم شدن روایت‌ها به یک پایان خوش است. پایبندی به چنین تکنیکی در هیچ کدام از آثار ما نیست، حتی سعادی فقط قصد حکایت‌پردازی دارد بدون توجه به چگونگی بیان حکایت‌ها.

**اما سعادی هم حکایاتش را در حیطه موضوع موردنظرش نقل کرده است. یعنی آن‌ها دارای نظم خاص خودش است. سعادی فقط موضوع را هدف قرار**

رسید. پس بی‌تردید به لحاظ تاریخی می‌توان گفت که فرج بعد از شدت سرچشمه اصلی این انتقال‌هاست. اگرچه ما هزار افسان را هم داشتیم، اما بعدها می‌بینیم که داستان‌های این کتاب در آثار مهم و مشهوری نقل شده است. مثل داستان مرد بغدادی که خواب گنجی را در مصر می‌بیند و در مصر پادشاه می‌گوید که من خواب گنجی را در خانه‌ای در بغداد می‌دیدم و ... این داستان‌ها عموماً در چه آثاری دوباره نقل شده‌اند؟

اول در خود جامع‌الحکایات عوفی، زیرا عوفی دست به ترجمه این کتاب می‌زند که یا در میان کار ره‌ایش می‌کند یا ترجمه را به پایان رسانده اما اثرش از بین رفته است. در هزار و یک شب به عنوان داستان یک خواب عجیب و از طرف دیگر در مثنوی هم در دفتر ششم نقل شده است و حتی در دوران معاصر داستانی شبیه این را در کیمیاگر پائولو کوئلیو می‌بینیم که دلایل آن است که بورخس آثاری مثل هزار و یک شب را معرفی می‌کند و نویسندگان با ارجاع به این آثار و با توانمندی خود بدل‌هایی می‌سازند و این شاهکارها به دست مردم می‌رسد. حتی در حوزه نفوذ زبان فارسی یعنی از اندونزی تا بوسنی این کتاب بارها به چاپ رسیده است. **از فرج بعد از شدت با چنین اهمیت و تأثیرگذاری**



نقاشی از آثار استاد علی‌اکبر دهخدا

**قوی، کدام داستان سینه به سینه میان مردم عوام هم نقل شده و باقی مانده است؟**

در اینجا یک نکته ضروری است. بعضی از کتاب‌ها چون بشدت مهم هستند و شاید گاهی بخوبی روی آنها کار درست انجام نگرفته باشد، در میان مردم مهجور می‌مانند، اما نه به این معنی که هرگز مورد توجه قرار نمی‌گیرند. هر اثری میان مردم رواج پیدا نمی‌کند. در ادبیات فارسی هم شاید بتوان گفت تنها شاهنامه است که میان توده مردم حتی اگر آن را خود نخوانند رواج پیدا کرده است. مردم همه از رسم، اسفندیار، سیاوش، سهراب و... پیشینه ذهنی دارند. بخشی از این گسترش عمومی به علت وجود قهوه‌خانه‌ها بود. مشهورترین داستان‌را شاید بتوان همان حکایت مرد بغدادی دانست. یک دلیل دیگرش صیغه کاملاً عربی این داستان‌هاست. البته داستان‌هایی پیرامون هارون الرشید، جعفر برمکی، ابراهیم عباسی و... در متون به تناوب نقل شده است. **پس شما چه ضرورتی در تصحیح مجدد این کتاب**

یافته‌اید؟ اهمیت کتاب در این است که به عنوان کتاب مرجع برای نویسندگان مطرح می‌شود. قاضی تنوخ نویسنده نویسنده‌ها به حساب می‌آید. مثلا آثار بورخس، این نویسنده بزرگ در میان مردم عامی رواج ندارد. اما آنها

را مانند یک کتاب مرجع باید خواند و آموختن شگردها و فنونش برای داستان‌نویسان اهمیت زیادی دارد. این آثار به واسطه نسل‌های بعدی خود کم‌کم در میان مردم رواج پیدا می‌کنند. این همان اتفاقی است که در مورد فرج بعد از شدت رخ داد که مرجع اصلی نویسندگان است. پدیدآورندگان آثار مرجع، نویسنده خواص هستند و نه عوام. آثار مشهور و قوی با بهره‌گیری و آموختن این متون به جا مانده است. مثلا هوشنگ گلشیری در داستان موفق خود به نام «دست‌تاریک، دست‌روشن» دقیقاً به یکی از حکایات‌های فرج بعد از شدت توجه داشته است.

**علت بی‌توجهی به این کتاب‌ها را در میان نویسندگان جوان و امروزی در چه چیزی می‌دانید؟** در حقیقت نسل جدید داستان‌نویس ما در یکی از دگم‌های مدرنیسم گیر کرده که اهمیت ندادن به متون گذشته است. در حالی که این ادعای مدرنیسم‌ها و پست‌مدرنیسم‌ها هم نیست و با تعریف اصلی آنها هم فرق می‌کند و اینها همه از سر بی‌خبری است.

**پس در نظر شما تنها با ارجاع به متون گذشته می‌توان داستانی موفق داشت؟**

من همیشه مثالی می‌زنم که اگر فردی قصه‌یاد گرفتن کشتی را داشته باشد، اول به او فن‌ها را یاد می‌دهیم و بعد بدل‌ها را، اما دوستان داستان‌نویس ما بعضی فقط بدل‌ها را آموختن دیده‌اند و اصل فن را بلد نیستند و این است که آثارشان شاهکار نمی‌شود.

**به چه دلیل نویسندگان ما به ادبیات کلاسیک ایرانی رجوع نمی‌کنند؟**

یکی از دلایلش همان گیر کردن در دگم مدرنیسم بود و مهم‌تر از آن می‌توان گفت واقعا گاهی این عدم رجوع به علت ناآگاهی است و نیز وجود کتاب‌هایی که خواننده برای وقت گذاشتن روی آنها حوصله کافی ندارد، زیرا چاپ این کتاب‌ها نامناسب است؛ چاپ‌هایی که به صورت کتب دانشگاهی در اختیار مردم قرار می‌گیرد با حجم زیادی از ارجاعات به نسخه بدل‌ها، نوشتن بی‌سسته متن کتاب و در نهایت یک نقطه در انتها. این جز سردرگمی و کم‌کردن خط اصلی روایت، چیز دیگری به دنبال ندارد.

**تصحیح‌های مختلفی از کتاب‌های کلاسیک به بازار وارد می‌شود. آیا تعداد زیادی از این تصحیح‌ها کتاب‌سازی نیست؟**

این چاپ‌ها از فرج بعد از شدت، کتاب‌سازی نیست، زیرا اما خلاف دیگر کتاب‌های موجود هدف‌مان مطالعه آسان‌تر کتاب بود بدون آن که از متن اصلی چیزی کاسته شود. بنابراین نسخه بدل‌هایی را که مورد استفاده خوانندگان قرار نمی‌گیرد، حذف و کتاب را پاراگراف‌بندی کردیم و در انتهای مطلب نقطه گذاشتیم تا پرش ذهنی لازم برای ورود به موضوع و مطلب بعدی برای خواننده ایجاد شود و باعث سردرگمی و از دست دادن خط روایت داستان نشود. البته اصل متن را ساده نکردیم تا قالب اصلی نوشتار قاضی تنوخ را از بین ببریم، زیرا داستان باید در جایگاه خودش فهمیده شود.

**سومین جشنواره سراسری رساله‌های دبیری**

**میهلت ارسال آثار ۳۰ بهمن ۱۳۸۸**

**رساله‌های دبیری، دبیری، مکتوب و دیجیتال**

**تیرن، آبان ۱۳۸۸ - اردیبهشت ۱۳۸۹**

http://www.dchq.ir  
jashnavareh3@dchq.ir

**مقابله با عرشه، پیشگیری از مصرف مواد مخدر و روان‌گردانها و درمان معتادین، از چالش‌های مهم جامعه امروز ما به حساب می‌آید که چاره‌جویی در مورد آن مشارکت همه‌جانبه و استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود جامعه را می‌طلبد. در این میان مشارکت رسانه‌ها و استفاده از تمام ظرفیت آنها از اولویتهای خاص برخوردار است.**

**رسانه - این پدیده فراگیر - یکی از اجزای اصلی جوامع بشری است که به دلیل سیطره بر زندگی انسان‌ها و رخنه در تار و پود حیات فردی و اجتماعی آن به مؤثرترین و قدرتمندترین ابزار در حوزه فرهنگ‌سازی، آموزش، اطلاع‌رسانی و ایجاد مشارکت عمومی تبدیل شده است.**

**از این رو ستاد مبارزه با مواد مخدر پس از کسب نتایج قابل‌قبول از برگزاری نخستین دوره جشنواره سراسری اعتیاد و رسانه در حوزه رسانه‌های مکتوب در سال ۱۳۸۶ و دومین دوره در حوزه رسانه‌های شنیداری و دیداری در سال ۱۳۸۷، سومین دوره جشنواره سراسری اعتیاد و رسانه را در حوزه رسانه‌های دیداری، شنیداری، مکتوب و دیجیتال برگزار می‌کند.**

**موضوع**

- ۱. مقابله با عرشه، پیشگیری از مصرف مواد مخدر و روان‌گردانها و درمان معتادین موضوع اصلی و کلی جشنواره خواهد بود که محورهای موضوعی زیر از اهمیت بیشتری برخوردارند:
- ۲. مقابله با عرشه مواد مخدر در ایجاد مختلف
- ۳. پیشگیری از مصرف مواد مخدر و روان‌گردانها در ایجاد آموزشی، اطلاع‌رسانی، آگاه‌سازی، فعالیت‌های جایگزین ورزشی و هنری، مددکاری و مشاوره، تقویت باورهای دینی، فرهنگ‌سازی در خانواده‌ها - محله و محیط‌های کار و مراکز آموزشی (مدارس و دانشگاهها)

- ۳. درمان و بازتوانی مصرف‌کنندگان مواد مخدر و روان‌گردانها
- ۴. کاهش آسیب‌های ناشی از مصرف مواد مخدر و روان‌گردانها
- ۵. حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی پس از درمان
- ۶. سبیت از افراد در معرض آسیب شامل وابستگان، خوستان و همکاران فرد معتاد
- ۷. تقویت مشارکت فعال مختلف مردم و سازمان‌های غیردولتی در عرصه پیشگیری، درمان و کاهش آسیبهای ناشی از اعتیاد
- ۸. مقاله و پیشگیری از تغییر الگوی مصرف و جلوگیری از گرایش به مواد روان‌گردان (شیمیایی و صنعتی)
- ۹. کاهش خسارت ناشی از مصرف مواد مخدر و روان‌گردانها در ایجاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، بهداشتی و خانوادگی
- ۱۰. بررسی علل و عوامل مؤثر در گرایش به اعتیاد
- ۱۱. دیدگاه‌های منطقه‌ای و جهانی مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردانها
- ۱۲. چالش‌های حقوقی و قضایی عرصه مواد مخدر و روان‌گردانها
- ۱۳. نقش و جایگاه جهانی ایران در امر مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردانها
- ۱۴. تازه و مؤثرترین شیوه‌های علمی در عرصه‌های پیشگیری، درمان و کاهش آسیب‌های ناشی از اعتیاد مواد مخدر

**جشنواره**

غلامفندان به حضور در سومین جشنواره سراسری اعتیاد و رسانه ویژه رسانه‌های دیداری، شنیداری، مکتوب و دیجیتال می‌توانند آثار خود را بر اساس قالب‌های زیر به دبیرخانه جشنواره ارسال نمایند

**بخش رسانه‌های مکتوب (مقدمات و خردگزارها)**

- ۱. خبر ۲، گزارش ۳، گفت‌وگو ۴، مقاله ۵، یادداشت و سرمقاله ۶، نقد ۷، عکس ۸، طرح و کاریکاتور

**نکته:** در این بخش همچنین از بهترین روزنامه - نشریه ادواری - نشریه علمی و تخصصی - نشریه دانشجویی - نشریه مجلی - نشریه تشکیلاتی غیر دولتی و خبرگزاری تقدیر خواهد شد.

**بخش رسانه‌های دیجیتال**

- ۱. نرم‌افزارهای چند رسانه‌ای
- ۲. نرم‌افزارهای تلفن همراه
- ۳. پایگاه‌های اینترنتی و وبلاگ‌ها
- ۴. بازی‌های رایانه‌ای

**نکته:** در این بخش همچنین از بهترین تولیدکنندگان محصولات رسانه‌ای دیجیتال مرتبط با موضوع جشنواره تقدیر خواهد شد.

**بخش رسانه‌های چندرسانه‌ای (رادیویی)**

- ۱. مستند مستندگزارشی و اطلاع‌رسانی
- ۲. برنامه‌تعاملی (برنامه‌ای که با مشارکت شنوندگان تولید شده باشد)
- ۳. برنامه گفت‌وگو محور (بزرگ‌مصاحبه، مناظره و...)
- ۴. نمایش رادیویی
- ۵. برنامه مجله‌ای
- ۶. یادگست (خبری، علم و فناوری، پزشکی - سلامت و...)
- ۷. آئونی
- ۸. آرم استیشن

**نکته:** در این بخش همچنین از بهترین شبکه‌های رادیویی استانی - شبکه‌های رادیویی سراسری تقدیر خواهد شد.

**بخش رسانه‌های دیداری**

- ۱. فیلم کوتاه داستانی
- ۲. فیلم بلند و ویدیوی (تله‌فیلم)
- ۳. مجموعه داستانی

**نشانی و تلفن دبیرخانه‌ی جشنواره جهت ارسال آثار: تهران - خیابان ولیعصر - نرسیده به چهارراه پارک وی - رویروی ساختمان اداری صدا و سیما - جمهوری اسلامی ایران -**

**تیش گوجه‌ی آلفی - مجموعه‌ی فرهنگی شقایق**

**تلفن: ۲۶۲۱۰۵۰۵ و ۲۶۲۱۰۵۱۲ و ۲۶۲۱۰۶۳۲ و ۲۶۲۱۰۶۳۳ و ۲۶۲۱۰۶۳۴ و ۲۶۲۱۰۶۳۵ و ۲۶۲۱۰۶۳۶**

**نشانی روابط عمومی ستاد مبارزه با مواد مخدر: تهران - خیابان شریعتی - خیابان شهید دستگردی (ظفر) - ابتدای خیابان نفت شمالی - شماره ۲۲ - طبقه چهارم**